

دولت با خودش هم برای رفع تحریم‌های داخلی مذاکره کند

رحمان طهماسبی فر*
تحریم‌های خارجی ضرباتی به اقتصاد کشور زده است، ولی اقتصاد ایران مسیر خود را بعد از شوک تحریم خارجی ادامه داده است و اگر همین فردا نیز تحریم‌های خارجی بر داشته و رفع شود، به دلیل وجود این تحریم‌های داخلی، باز هم ما شاهد عقبراندن اقتصاد کشور به وسیله همین تحریم‌های داخلی هستیم. بنابراین دولت علاوه بر توجه بر رفع تحریم‌های خارجی، باید در برابر تحریم‌های داخلی نیز با خودش و دستسگاه‌های زیرمجموعه‌اش مذاکراتی داشته باشد تا شر این تحریم‌ها نیز از سر اقتصاد کشور برداشته شود.

یکی از تحریم‌های مهم داخلی که تأثیرگذاری منفی بر قدرت خرید مردم و حتی تأمین مالی تولید داشته است، محروم شدن بخش مولد اقتصاد و عموم جامعه از تسهیلات بانکی است. خلق پول بی‌رویه بانک‌های خصوصی به نام سردم و تولید، ولی به کام شرکتهای زیرمجموعه شبکه بانکی افراد خاص، منجر به تعمیق رکود تومی در اقتصاد کشور شده است و راهکار آن نیز حذف قدرت خلق پول بخش غیرحاکمیتی و تمرکز بر اعطای سرانه خلق پول به هر ایرانی و بازگشت کامل قدرت خلق پول به دست حاکمیت است.

مقررات متعدد و متناقض در بخش‌های مجوزها؛ در این بخش به جای اینکه یک کارمند دولت که یک ساعت کار در بازار نداشته است، تصمیم بگیرد که آیا مردم صلاحیت لازم را برای انجام یک کسب‌و کار دارند یا خیر، به صورت پیش فرض باید مجوز شروع کسب‌وکار فرد صادر شود، مگر اینکه خلاقی از آن فرد سر بزند که با نظارت سبسنیتی قابل پیگیری است. بنابراین تمامی مجوزها باید پسینی شده و هیچ فردی به دلیل نداشتن مجوز از اشتغال ناچماند.

حق بیمه قرارداد که به عنوان اخذ سهم اجباری تأمین اجتماعی از تولیدکنندگان نیز شناخته می‌شود، منجر به تحمیل هزینه‌های بالا (بین ۶ تا ۱۶ درصد هر قرارداد) به پیمانکاران شده است و در عوض نیز هیچ شخص جدیدی بیمه نمی‌شود و همین امر موجب مشکلات فراوانی در اقتصاد نظیر پیش‌بینی ناپذیری در اقتصاد، جلوگیری از همکاری بین بخش‌های مختلف اقتصاد و از همه مهم‌تر کاهش جذابیت فعالیت‌های بخش مولد اقتصاد شده است. بنابراین لازم است این تحریم داخلی نیز به طور کامل حذف شود و تأمین اجتماعی صرفاً مبتنی بر لیست ارسانی کارفرما، حق بیمه را دریافت کند.



مالیات داستان بر غصه این روزهای اقتصاد کشور است. اخذ مالیات‌های مختلف از تولید بدون اینکه اقدامی در راستای سودآوری بخش مولد اقتصاد انجام شود، یک سمت داستان است و از همه مهم‌تر اینکه کارآمدی لازم را در شفافیت در اقتصاد نیز نداشته است و صرفاً تحمیل هزینه اضافی به مردم است. دو قاعده ساده باید در بخش مالیات پیاده‌سازی شود: اولاً مالیات‌های درآمدی به طور کامل حذف می‌شوند و صرفاً یک عوارض ساده بر هر تراکنش بانکی وضع خواهد شد که عوارض بر تراکنش‌های بانکی است و جایگزین تمامی مالیات‌های درآمدی فعلی خواهد شد. از طرف دیگر مسئله ناکارآمدی قیمت‌گذاری دستوری در بخش انرژی نیز محسوس شده‌است که مصرف در بخش تولیدی و سرانه مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید ملی (شدت انرژی مصرفی ایران) دو برابر میانگین دنیا شود. برای این اقدام نیز رویکرد اصلی یارانه صفر در برابر مالیات صفر است. به این صورت که علاوه بر اینکه نظام مالیاتی حذف خواهد شد و عوارض تراکنش جایگزین مالیات خواهد شد، در عوض نیز که اخذ مالیات از بخش مولد اقتصاد صفر شده است، یارانه انرژی اعطایی به بخش‌های تجاری و تولیدی نیز صفر خواهد شد به این مفهوم که کشور ما یک مزیت نسبی در برابر کل دنیا دارد که آن مالیات صفر در فضای اقتصادی کشور است، ولی قیمت انرژی به قیمت آزاد محاسبه خواهد شد.

آخرین تحریم داخلی نیز متمرکز بر مسئله زمین است. انحصار زمین مهم‌ترین عامل در گرانی مسکن، افزایش قیمت گوشت و افزایش هزینه‌های مغازه‌گردانی در کشور است. عدم عرضه زمین در اقتصاد چه در بخش مسکونی، چه در بخش منابع طبیعی و چه در بخش تجاری (مجوز ایجاد واحد تجاری) موجب شده‌است که قیمت مسکن و مغازه به دلیل این انحصار با رشد بسیار شدیدی روبه‌رو شود و از همه مهم‌تر اینکه این هزینه‌ها بر سید معیشت مردم نیز اثر منفی داشته است. به جز تهران، در بقیه شهرهای کشور زمین برای اضافه شدن به بخش مسکونی و به تبع آن افزایش میزان واحدهای تجاری فراهم است، ولی دولت با انحصار زمین، نه تنها مهم‌ترین محل سرمایه‌گذاری در اقتصاد را بسته است و موجب تزیق منابع به بخش‌های موازی تولید شده است، بلکه انحصار زمین منجر به هزینه‌های سرسام‌آور ساختمان شده است. از طرف دیگر منابع طبیعی بکر و متعدد کشور دست‌نخورده باقی مانده است، ولی به صاحبان اصلی آن یعنی مردم داده نمی‌شود تا مردم با حفاظت خود از محیط‌زیست، از چراگاه‌های طبیعی گوسفندان بهره ببرند و به تولید گوشت قرمز در کشور بپردازند. این انحصار عجیب منابع طبیعی و عدم عرضه زمین برای چرای گوسفندان یا حتی کشت محصولات کشاورزی منجر شده است که هزینه‌های زمین کشاورزی و تهیه نهاده دام برای تولید محصولات غذایی و کشاورزی به میزان بسیار زیادی افزایش یابد و وابستگی کشور به واردات بسیار زیاد شود. بنابراین مهم‌ترین مذاکره در بعد داخلی برای برداشتن تحریم‌ها، برداشتن انحصار زمین در بخش مسکونی، تجاری و منابع طبیعی است.

مجموعه تحریم‌های داخلی که دستسگاه‌های دولتی به اقتصاد کشور تحمیل کرده‌اند، از کل تحریم‌های خارجی وزن بیشتری در بر عقب راندن اقتصاد کشور دارد. بنابراین دولت محترم هم در راستای رفع و ختنش‌سازی تحریم‌های خارجی گام بردارد و هم این تحریم‌های داخلی را بردارد تا شاهد شوک‌فایبی اقتصاد حتی با وجود تحریم‌های خارجی باشیم.

*کارشناس اقتصاد

گزارش سعيده زمانی

کریدور شمال – جنوب یکی از مهم‌ترین مسی‌رهای ترانزیتی جهان است که با هدف ایجاد جایگزینی سریع، ایمن و کم‌هزینه برای مسیر کانال سوئز، اتصال جنوب آسیا و خلیج‌فارس به اروپا و دریای سیاه را فراهم می‌کند. در این راستا ایران و ارمنستان به دنبال تکمیل این مسیر ترانزیتی بوده‌اند تا از طریق آن علاوه بر گسترش روابط دو جانبه، جایگاه خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهان و لجستیک اوراسیا تقویت کنند. بر این اساس طی چند روز اخیر نشست‌های تخصصی میان مقامات ایران و ارمنستان برگزار شده و روز شنبه نیز در مراسمی ویژه با حضور رئیس‌سازمان برنامه و بودجه، استاندار آذربایجان شرقی و جمعی از مقامات ارمنستانی، کلنگ عملیات اجرایی تونل گاجاران ارمنستان به زمین خورد که نقطه عطفی در بازطراحی مسیرهای تجاری قفقاز است.

در جهان به‌هم‌پیوسته امروز، زیرساخت‌های حمل‌ونقل فراتر از جاده‌ها و پل‌ها هستند؛ آنها مسیرهای حیاتی قدرت ملی و نفوذ ژئوپلیتیک محسوب می‌شوند. جلسات اخیر مقامات ایرانی و ارمنستانی برای گشایش مسیرهای ترانزیتی و تجاری در شرایطی که قدرت‌های رقیب، نگران تقویت پیوندهای ترانزیتی دو کشور هستند، نه فقط یک رویداد دیپلماتیک معمول، بلکه نقطه عطفی در احیای شریان‌های طلایی در مسیر تجارت هستند.

تونل استراتژیک گاجاران کلید خورد

با توجه به اینکه ارمنستان، به عنوان دروازه ورود ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند، بنابراین مسیرهای جدید ترانزیتی و تجاری و تسهیل روابط تجاری دو کشور از منظر اقتصادی و همچنین امنیت پایدار منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است.

در این راستا عملیات اجرایی احداث تونل گاجاران در ارمنستان با حضور مقامات عالی‌رتبه دو کشور آغاز شد و به این ترتیب اتصال خلیج‌فارس به دریای سیاه یک قدم دیگر به واقعیت نزدیک شد. این پروژه عظیم با هدف تکمیل شاهراه ارتباطی خلیج‌فارس، شمال ایران، مرز نوردوز، ارمنستان و در نهایت دریای سیاه در دستسوز کار دو کشور قرار گرفته است. آنچه این رویداد را بیش از پیش برجسته می‌کند، واگذاری اجرای بخش عمده این مسیر حیاتی به متخصصان و

اقتصاد

سرویس اقتصادی، ۶۰-۸۸۵۳۳

ایران و ارمنستان چگونه نقشه ژئوپلیتیک تجارت منطقه را تغییر می‌دهند

احیای شریان‌های طلایی در مسیر کریدور شمال – جنوب

تسهیل عبور و مرور کالا و کاهش موانع اداری از مسیر تجارت ایران و ارمنستان نه تنها تجارت دوجانبه را متحول می‌کند

بلکه ایران را به نقطه ثقل کریدورهای شمال – جنوب و شرق – غرب در پیوند با بازارهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا تبدیل می‌سازد



سیاسی برای هر دو کشور اهمیت بسیار بالایی دارد.

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به پیشرفت پروژه‌های متناظر دو خاک ایران افزود: در حال حاضر، پروژه‌های توسعه مسیر جلفا-نوردوز و احداث پل نوردوز با سرعت بالا در حال اجرا هستند. هم‌زمان در ارمنستان نیز مسیر نوردوز به مغری، باگاران و ایروان در دست احداث است.

معماری نوین ترانزیتی میسان ایران و ارمنستان

پیش از این در ۴تیر ماه نیز نشست تخصصی رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای با معاون وزیر اقتصاد جمهوری ارمنستان با محوریت تسهیل تجارت و ترانزیت و کاهش موانع حمل‌ونقل بین‌المللی بین دو کشور در محل وزارت اقتصاد ارمنستان در ایروان برگزار شد.

در این نشست، پنج محور اصلی با رویکردی عملیاتی و با مشارکت فعال نفعای هبت‌های ایرانی و ارمنی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. طرفین در خصوص کاهش عوارض مرزی توافق کردند که با

تشکیل کارگروه مشترک و با نظارت مستقیم مدیران گمرک، ساختار هزینه‌های عبور از مرزهای مشترک را بررسی و برای کاهش تدریجی آن برنامه‌ریزی کنند. توسعه تردد کامیون‌ها و ناوگان باری نیز در دستور کار قرار گرفت و مقرر شد، علاوه بر افزایش سهمیه تردد، سامانه‌های هوشمند برای رزرو زمان عبور و کنترل تردد در مرزها راه‌اندازی و از تشکیل صف‌های طولانی جلوگیری شود. فعال‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی و لجستیکی از دیگر محورهای مهم این دیدار بود که بر اساس آن، طرفین بر بهره‌برداری کامل از پل‌های لجستیک در دو سوی مرز و ایجاد مراکز مشترک با همکاری بخش خصوصی تأکید کردند.

همچنین توسعه زیرساخت‌های گذر مرزی و مسیرهای دسترسی، از جمله بهبود راه‌های منتهی به گذرگاه‌های مرزی مشترک و بررسی احداث یک پل جدید در نقطه صفر مرزی، در اولویت کمیسیون مشترک قرار گرفت. کاهش موانع حمل‌ونقل بین‌المللی نیز به عنوان یکی دیگر از محورها مطرح شد و در این زمینه، حذف تشریفات زائد اداری،

چرا بازگشت به الگوهای پیشین تجارت خارجی می‌تواند یک خطای راهبردی باشد

معمای «فرصت» اقتصادی در جغرافیای پرخطر

جایگزین زمینی و ریلی با همسایگان شرقی، شمالی و غربی تقویت شود، ریسک اختلال در مسیرهای دریایی جنوب به حداقل می‌رسد. دومین‌گام، خلق واقعیت‌های جدید در حوزه نظام‌های تسویه مالی است. اقتصاد ملی نیازمند

آن است که فرای ارزهای مسلط، از ابزارهای تهاتر هوشمند و پیمان‌های پولی بهره‌مند شود تا شوک‌های احتمالی در شبکه مالی بین‌المللی، قلب تجارت کشور را نشانه نرود. در نهایت، تمرکز بر هدایت جریان نقدینگی به سمت بخش‌های مولدی که زنجیره ارزش آنها در داخل کشور تکمیل می‌شود، تنها راه پایدارسازی رشد و جلوگیری از شوک‌های تومی در آینده است.

تعامل راهبردی در نظم نوین

در جهان در حال تغییر، ظهور قدرت‌های نو ظهور اقتصادی در شرق، توازنی جدید ایجاد کرده است. همکاری با چین و روسیه یک واقعیت‌گریزناپذیر در جغرافیای تجارت نوین است. اما هوشمندی حکم می‌کند که این تعاملات را نباید به مبادلات ساده کالا تقلیل داد. سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال دانش و پیوند زدن زیرساخت‌های انرژی، پیوندهایی هستند که گسستن آنها هزینه‌گزافی برای طرف مقابل ایجاد می‌کند. البته نباید از یاد برد که فلسفه این بازتعریف، اجتناب از هرگونه وابستگی انحصاری جدید است. استقلال اقتصادی در تنوع و تکثر ریشه دارد، به‌طوری‌که هیچ شریک واحدی نتواند نبض نیازهای اساسی ملت را در اختیار بگیرد.

در همین راستا، فضای روانی جامعه در قبال آینده اقتصادی، غالباً میسان دو قطب مغرب نوسان می‌کند. نگاه نخست، دیدگاهی است که همه‌امور را در وضعیت اضطرار و بن‌بست دائمی می‌بیند؛ روایتی که جز هراس و احتکار سرمایه‌ها در بازارهای غیرمولد، حاصلی ندارد. وقتی جامعه بوی بهبود را نشنود، منابع به جای کارخانه‌ها به سمت طلا و دلار سرازیر می‌شوند. نگاه دوم اما روایتی است که تفاهات سیاسی را پایان‌رنج‌ها و آغاز عصری از فوران منابع جلوه می‌دهد. این نگاه خوش‌بینانه نیز به همان اندازه خطرناک است زیرا با ایجاد انتظارات کاذب، دولت و بخش خصوصی



بزرگ‌ترین لغزش در دوران «بساتنش» با دوره تنفس دو ماهه، می‌تواند تمایل مدیران به بازسازی تعلق‌بتل ساختارهای پیشین باشد. وقتی غبارهای سیاسی فرو می‌نشیند، وسوسه‌ای نیرومند پدید می‌آید که همه‌امور به روال سابق با همان مسیرهای روزنه‌اما دم‌دستی باز گردند. این رویکرد، در واقع نه حل مسئله که به تعویق انداختن فاجعه است. بازگشت به همان الگوهایی که در بزنگاه بحران، شگندگی خود را نشان داده‌اند، به معنای نادیده گرفتن هزینه‌های گزافی است که نظام اقتصادی پیش از این پرداخته است.

هدف از استفاده از روزنه‌های تفاهم باید چنین باشد که این دوران را عرضه‌ای برای مهندسی دوباره تجارت خارجی دانست. فرصت امروز، باید ترذباتی برای خروج از وابستگی‌های یک‌سویه باشد.

با این فرض که فشارهای خارجی کاسته شود، ایران زمین‌های خود را توزیع می‌کند. اقتصاد ملی نیز برای فرار از دام «تسداد در گلوگاه»، به تعدد مسیرهای مالی و مواصلاتی احتیاج دارد. تحولات سال‌های گذشته زنگ خطری بود که ما یادآوری کند این توصیه‌های راهبردی، از جنبه‌های آرمانی به ضرورت‌های بی‌جایگزین تبدیل شده‌اند.

محمدامین حق‌گو*

در میانسه تلاطم‌های سیاسی منطقه غرب آسیا، اقتصاد ایران مدت‌هاست در بستری از «ریسک‌های دائمی» تنفس می‌کند. گویی جغرافیای ما، علاوه بر مواهب بی‌شمار، حامل تقدیر ناگزیری از نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک است. در این زیست‌بوم، هر نسیم ملایم سیاسی که بوی تفاهم یا کاهش تنش بدهد، بلافاصله در شریان‌های بازار اثر می‌گذارد. اما پرسش بنیادی این است که آیا هر گشایش دیپلما تیک، به‌خودی‌خود بیه معنای پایان چالش‌های اقتصادی است؟ یا اینکه چنین گشایش‌های تنها «پنجره‌های موقت فرصت» برای بازسازی سنگرهای فرسوده اقتصادی هستند؟ تجربه زیسته فعالان اقتصادی در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد ثبات پایدار، محصول خوش‌بینی بیه فرد نیستست و نحوی میوه آحادگی در برابر سخت‌ترین شوک‌های احتمالی است. از این جهت، در هر فرصت تنفسی باید آرایش و آمادگی لازم برای مواجهه با موج‌های آینده ایجاد نمود.

واقع‌گرایی در عصر تنش‌های ماندگار

قدرت‌های اقتصادی بزرگ جهان نیز از امواج سیاسی دستسسته‌اند، اما تمایز معنادار در نحوه‌مدیریت این امواج نهفته است. در ایران، ما همواره با وضعیتی روبه‌رو بودیم که تجارت خارجی باوجود بزرگی و ظرفیت‌های خیره‌کننده، گاه در تنگنای «تکا به معدود شاهراه‌ها» گرفتار شده است. بخش قابل‌توجهی از تأمین مالی ولجستیک ما در سال‌های اخیر به جغرافیاهایی محدود شده که خود در بازی منطقه، منطقه، منافع و ملاحظات پیچیده‌ای دارند. برای نمونه، اتکای معنادار به یک حساب تجاری منطقه‌ای مانند اسارات متحده عربی در حوزه صادرات واردات، همواره سایه‌ای از آسیب‌پذیری را بر سر جریان کالا و سرمایه‌افکنده است. سهم ۱۴درصدی صادرات در نزدیکی به ۳۰درصد واردات در برخی برهه‌ها، اگرچه نشان‌دهنده چابکی بخش خصوصی در استفاده از نزدیک‌ترین مسیرهاست،

د

اگر اراده سیاسی در نشست ایروان به پروتکل‌های اجرایی تبدیل شود، می‌توان شاهد کاهش حداقل ۲۰درصدی زمان ترانزیت کالا بین دو کشور بود

یکسان‌سازی مدارک مجوز عبور و هماهنگی در اجرای کنواسیون‌های بین‌المللی حمل‌ونقل با استقبال دو طرف همراه بود. رضا اکبری، رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای در این نشست با اشاره به جایگاه راهبردی ایران در کریدورهای بین‌المللی شمال- جنوب و شرق- غرب، بر لزوم فعال‌سازی کامل ظرفیت‌های ترانزیتی ولجستیکی دو طرف تأکید کرد و گفت: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت منطقه، همواره از توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی با همسایگان استقبال کرده و ارمنستان به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه و پیوندهای فرهنگی و تاریخی، شریکی کلیدی در این مسیرها محسوب می‌شود.

معاون وزیر اقتصاد ارمنستان نیز حضور مدیران ارشد گمرکی و ترانزیتی دو طرف در نشست را نشان‌دهنده عزم جدی برای اجرایی‌سازی توافقات عنوان و اعلام کرد که کشورش برای رفع موانع حمل‌ونقل جاده‌ای کاهش هزینه‌های ترانزیتی صمم است. او با تأکید بر اینکه ارمنستان به دنبال سازوکارهایی برای روان‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر کردن تردد نساوگان حمل‌ونقل میان دو کشور است، ادامه داد: تعدیل عوارض مرزی و هماهنگی در رویه‌های گمرکی از اولویت‌های اصلی ماست.

با مجموع با توجه به دیپلماسی ترانزیتی در قفقاز جنوبی و فصل نوین همکاری‌های تهران- ایروان، به نظر می‌رسد در تعاملات اخیر، رویکرد طرفین از مذاکره برای رفع مشکل به سمت تسهیل شرایط تغییر یافته است. اگر اراده سیاسی در نشست ایروان به پروتکل‌های اجرایی تبدیل شود، می‌توان شاهد کاهش حداقل ۲۰درصدی زمان ترانزیت کالا بین دو کشور بود. این کاهش زمان، به معنای افزایش جذابیت مسیر برای تاجار کشورهای ثالث نیز که به دنبال امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای دسترسی به بازارهای مدیترانه و اروپا هستند، می‌تواند باشد.